جلسه 62-688

**چهار‌شنبه - 30/10/94**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به روایاتی بود که بر تعین حلق بر صرورة استدلال شده بود.

روایت ششم روایت بکر بن خالد هست عن ابی عبدالله علیه السلام لیس للصرورة ان یقصر و علیه ان یحلق.

مرحوم آقای خوئی فرمودند که سند این روایت ضعیف است؛ چون بکر بن خالد توثیق ندارد.

که اشکال سندی وارد هست.

روایت هفتم که آخرین روایت هست روایت سلیمان بن مهران است: کیف صار الحلق علی الصرورة واجبا دون من قد حج؟ قال: لیصیر بذلک موسما بسمة الآمنین. الاتسمع قول الله عز و جل لتدخلن المسجد الحرام ان‌شاءالله آمنین محلقین رئوسکم و مقصرین.

این هم سندش ضعیف است بخاطر جمعی از مجاهیل در سند.

مرحوم آقای خوئی فرموده که مضافا به این‌که تعلیل در این روایت قابل فهم نیست، و این موجب اضطرار متن می‌شود.اگر استدلال می‌کنید به آیه، آیه که دارد محلقین رئوسکم و مقصرین چرا فقط می‌فرمایید حلق واجب است؟ الا تسمع قول الله عز و جل محلقین رئوسکم و مقصرین. بعد شما بفرمایید که پس حلق واجب است؟ چون مفهوم نیست این تعلیل در روایت، روایت می‌شود مضطرب.

به نظر ما این اشکال قابل جواب است.

اولا: هست در روایات ما که خود آقای خوئی هم فرمودند که تعلیل مفهوم نیست برای ما و لکن به متن حدیث عمل کردند. بنا نیست که همه تعلیل‌ها را ما بفهمیم. اما اضطراب در متن ایجاد نمی‌کند.

ثانیا: تعلیل این‌طور نیست که مفهوم نباشد. کسی که علامت آمنین را دارد مقصر نیست. مقصر کسی که مویش را کوتاه کرده که مثل بقیه مردم است. آنی که حلق می‌کند موسم بسمة الآمنین است؛ چون در زمان قدیم تا از جنگ فارغ نمی‌شدند حلق رأس نمی‌کردند. این یک رسمی ‌بود. وقتی جنگ تمام می‌شد می‌رفتند حلق راس می‌کردند؛ کانه ایام امان و فرح و شادی‌شان هست. لیکون موسما بسمة الآمنین. این علامت آشکار آمنین به این است که حلق بکند.

[سؤال: ... جواب:] لیصیر موسما بسمة الآمنین. ... مقصر تنها موسم بسمة الآمنین نیست عرفا؛ چون شناخته نمی‌شود از بقیه افراد.

ثالثا: کی می‌گوید این آیه شریفه واوش واو تخییر است؟ چرا واو جمع نیست؟ محلقین رئوسکم و مقصرین نسبت به ناخن؛ نسبت به ریش. شما می‌فرمایید که ما احتمال نمی‌دهیم جمع بین حلق راس و کوتاه کردن موی محاسن و ناخن. می‌گوییم احتمال وجوب نمی‌دهید حمل کنید بر این‌که جمع بین حلق و تقصیر مستحب است.

[سؤال: ... جواب:] واو، واو جمع باشد، چون مفتی‌به نیست... اگر ما از تقصیر تقصیر راس بفهمیم تقابل دارد با محلقین. و الا اگر از تقصیر تقصیر غیر راس بفهمیم نفرمود محلقین و مقصرین رئوسکم تا بگوییم تقابل هست. محلقین رئوسکم و مقصرین؛ سرها‌تان را تراشیدید و تقصیر کردید. تقصیر کردید لحیه‌تان را شارب‌تان را اظفارتان را. ... اتفاقا در روایات هم همین‌طور معنا کرد: ثم لیقضوا ثفتهم را. فرمود الحلق و تقلیم الاظفار. ... نه؛ سمة الآمنین را ما فهمیدیم، آمنین این علامت را دارند که محلقین رئوسکم و مقصرین. حالا مقصرینش استحباب اما باید صرورة موسم بسمة الآمنین باشد.

اما راجع به این‌که سند این روایت ضعیف، سند روایت قبلی هم ضعیف، سند روایت علی بن ابی حمزه هم ضعیف، سند روایت ابی سوید قلّاء عن ابی صلت ضعیف، چهار تا حدیث با سند ضعیف، آیا واقعا وثوق به صدور یکی از این حدیث‌ها پیدا نمی‌کنیم؟ یک وقت در دلالت مناقشه می‌کنید آن را که جواب دادیم. شما هم که در دلالت همه مناقشه نکردید. ولی الان بحث این است که در سند چهار حدیث شما مناقشه کردید. خب وجدانا چهار تا حدیث با سندهای مختلف که هیچ اشتراکی با هم ندارند برای انسان متعارف وثوق به صدور نمی‌آورد؟ یعنی همه این‌ها جعل کردند؟ خطا که به اصل عدم خطا منتفی است. به نظر شما اصل عقلائی اصل عدم خطا است. که مطلب بعیدی هم نیست. اما احتمال جعل در حق هر چهار سند احتمال عقلائی است؟ به نظر ما این احتمال عقلائی نیست.

مرحوم آقای خوئی در پایان فرمایش‌شان فرمودند: اصلا سند و دلالت این روایات فرض کنید تمام، اما چه کنیم که آیه شریفه محلقین رئوسکم و مقصرین صریح است در عدم وجوب حلق بر صرورة در حج. چطور صریح است؟ اول فرموده است ظاهر است در آخر فرموده است صریح است. چرا صریح است؟ فرموده است که توضیح می‌دهیم با بیان مقدماتی:

مقدمه اول این است که محلقین رئوسکم و مقصرین حال دوم فاعل لتدخلن المسجد الحرام است. حال اولش آمنین است؛ حال دومش محلقین رئوسکم و مقصرین است. و ظاهر حالیت تقارن است. یعنی هنگام دخول در مسجد الحرام شما سرتان را تراشیدید؛ موی‌تان را کوتاه کردید. و در عمره مفرده هنگامی‌ که مردم وارد مسجد الحرام می‌شوند که هنوز حلق و تقصیر نکردند. بعد از انجام عمره مفرده، طواف، سعی، آن وقت حلق یا تقصیر می‌کنند. فقط در حج است که حاج از منی حلق و تقصیر کرده وارد مسجد الحرام می‌شود، بعد از اعمال منی. لتدخلن المسجد الحرام از منی محلقین رئوسکم و مقصرین. پس مورد آیه حج است و نه عمره.

بگذار مفسرین تفسیر خودشان را بکنند که می‌گویند این آیه در عمره قضاء در سال هفتم هجری نازل شده. مگر قول مفسرین برای ما حجیت دارد؟ ما اگر نصی از اهل بیت عصمت و طهارت داشتیم به آن عمل می‌کنیم؛ و الا ما اعتمادمان به ظهور قرآن کریم هست. مفسرین هر چه می‌خواهند بگویند. مورخین هم هر چه می‌خواهند بگویند.

پس آیه شریفه موردش مورد حج است.

[استاد] از این جرئت‌ها قبلا هم بین علماء بوده. مقدس اردبیلی در کتاب زبدة البیان همین را فرموده. این مقدمه اولی.

مقدمه ثانیه: حج مؤمنین در زمان پیامبر یک حج بود آن هم حجة الوداع. و مؤمنین هم حج اول‌شان بود. بعد از اسلام اولین حج که مؤمنین موفق شدند همان حجة الوداع بود. پس همه صرورة بودند. حج الصرورة بود؛ یعنی اولین حج بعد از اسلامِ این مسلمین بود. و لذا نمی‌شود این آیه را حمل کرد بر حج غیر صرورة.

مقدمه سوم: این‌که مقصرین جمع مذکر است، و نمی‌شود مقصرین را حمل کرد بر نساء بگوییم در حج بر نساء تقصیر است ممکن است بر رجال صرورة هم حلق واجب باشد و لذا واو می‌شود واو به معنای تنویع. محلقین رئوسکم ای بعضکم محلقین رئوسکم و هم الرجال و بعضکم مقصرین و هم النساء. این اگر بود که نمی‌گفتند مقصرین؛ باید می‌گفتند محلقین رئوسکم و مقصرات. چون این غیر از این است که بگویید یاایهاالذین‌آمنوا اعم است از رجال و نساء. در این جا اگر بگویید مقصرین خصوص نساء هستند و الا رجال بر آن‌ها حلق واجب بود دیگه تشریک بین رجال و نساء نیست تا بگویید تغلیب کردند مذکر گفتند فقط مراد نساء است. بعد مراد فقط نساء است بگویند مقصرین؟ این درست نیست. پس مراد از مقصرین رجال قطعا باید باشد. یعنی رجال هم در ضمن مقصرین باید باشند همان رجال صرورة.

مقدمه چهارم این‌که محتمل نیست که واو در اینجا واو جمع باشد؛ بلکه واو تخییر است. یعنی محلقین رئوسکم او مقصرین.

با این چهار مقدمه مطلب تمام شد. ای مسلمین شما در حجة الوداع اولین حج‌تان را انجام خواهید داد. برخی از شما سرتان را می‌تراشید؛ برخی موی‌تان را کوتاه می‌کنید. با این‌که همه‌تان صرورة هستید. این شد صریح در تخییر. باید رفع ید کنیم از ظهور آن روایات. اگر سند و دلالتش هم تمام بشود ظهور آن روایات را در وجوب حلق باید حمل کنیم بر تاکد استحباب.

این فرمایشات به نظر ما ایراد دارد.

ایراد اول: ما احتمال می‌دهیم عدد متنابهی از حجاج مرد در حجة الوداع بر آن‌ها حلق واجب نبود. یا برخی به علت بیماری پوستی، به علت زخم حلق بر آن‌ها حرجی بود که در زمان‌های گذشته این بیماری‌ها شایع تر از حالا بود.

[سؤال: ... جواب:] حرج است. ... شما خودتان جزء معمرین از اصحاب هستید؛ خودتان شاید یادتان باشد زمان قدیم که در حمام‌های عمومی‌ چقدر کور و کچل و گر و... .

برخی از حجاج حج سال دوم‌شان بود. خود امیر المؤمنین سال قبل مشرف شده بود به حج آیات برائت را بر مشرکین خوانده بود. ظاهرا حج بجا آورده بود حضرت. یعنی یوم الحج الاکبر حضرت بدون اعمال حج مشرف شدند مکه اعمال حج را بجا نیاورده آیات برائت را خواندند؟ خیلی بعید است یعنی مطمئن العدم است که حضرت مشرف شدند. چرا حج بجا نیاورد؟ مشرکین مجوز دادند. مشرکین گفتند به عنوان این‌که یک تشکل مسلمین که پیامبر رهبر آن‌ها باشد نباید وارد مکه بشوند طبق صلح حدیبیه؛ آن هم موقت و الا بعدش عمرة القضاء بجا آورد پیامبر قبل از حجة الوداع. بالاخره پیامبر که عمرة القضاء بجا آورد یعنی محدودیت‌ها بر طرف شده بود. سال هفتم هجرت عمرة القضاء بجا آورد از سال هفتم دیگر مانعی نبود برای آمدن مسلمین به مکه.

[سؤال: ... جواب:] پس از سال هفتم هجری تا سال دهم که حجة الوداع بجا آوردند شما می‌گویید هیچ مسلمانی موفق به حج نشد؟

شک هم بکنیم کافی است برای این‌که استدلال آقای خوئی تمام نشود. احتمال بدهیم از سال هفتم هجری که عمرة القضاء بجا آورد پیامبر در ماه ذیقعده ولی نماندند در حج احتمال می‌دهیم برخی از مسملین ماندند و حج بجا آوردند.

[سؤال: ... جواب:] حج افراد که تشریع شده بود؛ حج تمتع تشریع نشده بود. ... حج افراد حج اول است بعد حج تمتع بجا آورده که حج اولش نیست حج سال دومش است.

[سؤال: ... جواب:] عرض کردم برای خواند آیات برائت امیر المؤمنین مشرف شدند حج.

پس ممکن است یا معلوم است محتمل هم باشد کافی است که در زمان حجة الوداع برخی از مؤمنین حج سال دوم‌شان بود.

همراه بکنیم این‌ها را با زنان. صدق مقصرین دیگر مشکلی ندارد؛ مقصرین برخی مرد هستند برخی زن هستند. حالا بگویید اقلیتی از مردان جزء مقصرین بودند، صدق عرفیش مشکلی ندارد.

[سؤال: ... جواب:] حج قبل الاسلام را نگوییم حج قبل الهجرة را هم شما ضمیمه کنید که برخی از مسلمین حج بجا آوردند و لو نادر بود که آن مسلمینی که با پیامبر بودند در مکه خیلی نادر بودند.

اگر شما می‌گویید صرورة کسی است که حجش حجة الاسلام است که اصلا برخی از حجاج در حجة الوداع حج‌شان حجة الاسلام نبود؛ فقیر بودند این‌ها مستطیع نبودند.

[سؤال: ... جواب:] اشکال ندارد شما می‌گویید اگر امیر المؤمنین حج سال دوم‌شان هم بود باز نمی‌تواند جزء این گروه مقصرین باشد می‌رفت سراغ آن افضل الافراد که حلق است. حالا امیر المؤمنین این‌طور؛ بقیه چی؟ و انگهی این‌طور نیست که شما فکر می‌کنید ائمه همیشه افضل الافراد را انجام می‌دادند. گاهی عذرهای عرفی داشتند. عذر عرفی دارد می‌رود سراغ غیر افضل. امام علیه السلام حج افراد بجا آوردند فرمودند من برایم سخت است حج تمتع؛ تزعزعت اسنانی. وقتی سعی بجا می‌آوردم -چون حج تمتع دو تا سعی دارد- وقتی سعی بجا می‌آوردم دندان‌هایم از شدت سختی دچار رعشه می‌شود. یعنی ضعف شدید می‌گیرم. و لذا حضرت حج افراد بجا آوردند با این‌که حج تمتع افضل است. این‌طور نیست که ائمه همیشه بگوییم سراغ افضل الافراد می‌رفتند. گاهی بخاطر عذرهای عرفی سراغ فرد غیر افضل هم می‌رفتند. و لکن ما خیلی با شما بحث نمی‌کنیم حالا حضرت علی حلق بجا آورد در سال حجة الوداع بقیه مسلمین شما مطمئنید که حلق کردند و تقصیر نکردند؟ نه؛ بالاخره بخشی حج اول‌شان نبود؛ بخشی حرجی بود بر آن‌ها حلق؛ این‌ها رفتند سراغ تقصیر.

اشکال دوم: چرا می‌فرمایید واو جمع محتمل نیست؟ چرا محتمل نیست؟ عرض کردم فوقش می‌گویید مستحب است جمع بین تقصیر و حلق. جمع به نحو وجوب محتمل نیست اما به نحو استحباب هم محتمل نیست؟ وقتی احتمال این است که واو به معنای جمع باشد بلکه ظاهر واو، جمع است فوقش می‌گویید مقصرین! از باب استحباب حلق، حلق می‌کنید و محلقین رئوسکم و مقصرین. صرورة بودند حلق می‌کردند مستحب هم بود علاوه بر حلق تقصیر هم بکنند لحیه و اظفارشان را.

ثالثا: اجماع مفسرین اجماع مورخین می‌گوید که این آیه در عمرة القضاء نازل شد. ظاهر لتدخلن المسجد الحرام هم همین است که اولین دخول نه این‌که آمدند مکه قبل از رفتن به عرفات چند روز در مکه بودند رفتند عرفات و مشعر و منی اعمال منی را انجام دادند برگشتند به مسجد الحرام آن دخول بعد از رجوع از منی را به مسجد الحرام بگوییم آیه نظر دارد. لتدخلن المسجد الحرام ان‌شاءالله آمنین محلقین رئوسکم و مقصرین لاتخافون انصافا خلاف ظاهر است. ظاهر این است که اولین دخول در مسجد الحرام از شهرهای دیگر مثل شهر مدینه مد نظر است. ما عرض‌مان این است: احتمال نزول این آیه در عمرة القضاء می‌دهید جناب َآقای خوئی یا نمی‌دهید؟ وقتی احتمالش هست پس بگویید اگر این آیه در عمرة القضاء نازل شده بود عرف از لتدخلن المسجد الحرام ان‌شاءالله آمنین محلقین رئوسکم و مقصرین چه می‌فهمید؟ عرف می‌فهمید یعنی مشرف هستید بر حلق و تقصیر. داخل مسجد الحرام می‌شوید با امان و مقارن با آن و لو با چند ساعت تاخیر. تازه چند ساعت هم نمی‌خواهد طواف و سعی یک ساعت هم انجام می‌شود. با یک ساعت تاخیر محلقین رئوسکم و مقصرین. شما حساب کنید یک آیه ای در عمره نازل بشود. فرض این است که اجماع مفسرین و مورخین است. پس این احتمال را بدهید. نمی‌گویم جزم پیدا کنید تا افراد جری و شجاع در بحث‌های علمی‌بگویند ما نظرمان این است. می‌گوییم احتمال که می‌دهید مفسرین و مورخین درست بگویند خب اگر احتمال می‌دهید پس احتمال قرینه حالیه متصله می‌دهید که مردم در حال عمرة القضاء بودند آیه نازل شد که خدا آن خوابی که پیامبر دیده بود تعبیر کرد و رؤیای صادقه قرار داد آن را؛ وارد مسجد الحرام می‌شوید در حالی که سرهایتان را تراشیدید یعنی در حال جنگ نیستید. و لو با یک ساعت تاخیر. این عرفی است.

و ان شئت قلت شما در حج با چند ساعت یا یک ساعت مقدم شدن حلق و تقصیر بر دخول در مسجد الحرام آیه را تفسیر کردید. گفتید لتدخلن المسجد الحرام در حالی که یک ساعت قبلش در منی حلق و تقصیر کردید. شمااین‌طور معنا می‌کنید. و الا نمی‌گویید که هنگام دخول در مسجد الحرام صف کشیدید دارید حلق می‌کنید. محلقین اگر بخواهید معنای حقیقیش را اراده کنید: شما در حال دخول در مسجد الحرام سرتان را می‌تراشیدید. کی این‌ها در هنگام دخول در مسجد الحرام سرشان را می‌تراشند؟ پس یا باید معنا کنید در حال هنگام دخول در مسجد الحرام سرتان را تراشیده‌اید یا خواهید تراشید. بالاخره یا باید بشود ماضی یا بشود مضارع. ماضی قریب یا مضارع قریب. چه فرق می‌کند؟ یا ماضی قریب: یک ساعت قبل تراشیدید. وارد مسجد الحرام می‌شوید در حالی که سرتان را یک ساعت قبل تراشیدید. یا داخل در مسجد الحرام می‌شوید در عمره مفرده در حالی که یک ساعت بعد سرتان را می‌تراشیدید. چه فرق می‌کند؟

[سؤال: ... جواب:] می‌گوییم لقد صدق الله فلانا الرؤیا یدخل بیت زید آکلا للکباب، و هو آکل للکباب. یعنی موقعی که وارد خانه زید می‌شود کباب خریده دارد می‌خورد؟ این‌که دیگه منت ندارد با پول خودش کباب خریده. این را می‌گویید آکلا للکباب یعنی بعد از دخول در خانه زید سفره می‌اندازند کباب می‌دهند. این هم همین است. ... به زودی داخل می‌شوید در خانه زید که در تمام طول رفاقت‌تان با او در حسرت این هستید که یک روز شما را مهمان کند به زودی داخل خواهید شد در منزل زید و انتم آکلین للکباب. ... چه فرقی می‌کند؟ ... محلقین رئوسکم سرتان را می‌تراشید. ... پس باید بگویید سرتان را تراشیده‌اید، این‌طور می‌گویید؟ یک راه دیگر دارد؛ بگویید سرتان را خواهید تراشید. ... عرض کردم آخرش این است که می‌گویید این معنای عرفیش بعد از این‌که در آن دخول حلق راس نمی‌کنند معنای عرفیش این است در آن آن، سر تراشیده هستید. یک ساعت دو ساعت قبلش سرتان را تراشیدید. می‌گویید این معنای عرفیش است. به شرطی که قرینه نوعیه حالیه نزول این آیه در عمرة القضاء مانع از این ظهور نشود. شما احتمال این‌که شان نزول قرینه حالیه باشد بر این‌که مراد از محلقین بگوید ستحلقین رئوسکم بعد ساعة، این احتمال را نمی‌دهید؟ با توجه به‌ شان نزول آیه که لااقل محتمل است اگر نگوییم واقعا از اتفاق مورخین و مفسرین انسان وثوق پیدا می‌کند به این مطلب که این در عمرة القضاء نازل شده.

[سؤال: ... جواب:] ما این‌ها را که می‌فرمایید نمی‌فهمیم. این ادبیات برخیش اجتهادهای نحاة است که برای ما مفهوم نیست که باید حتما به معنای می‌گویید حال باشد؟ ... ماضی عمل نمی‌کند؟ خب آقای خوئی جواب می‌دهد از شما. می‌گوید این هم را حال بگیریم ولی حال یعنی الان سرتان را تراشیدید یعنی الان سر تراشیده هستید و لو یک ساعت قبل تیغ را کشیدید بر سرتان. ما عرض‌مان این است که جواب می‌دهیم از این فرمایش آقای خوئی؛ می‌گوییم اولا شما محلقین رئوسکم را می‌گویید که حال بگیریم این قطعا مراد نیست. عرف می‌گوید ماضی قریب بگیریم؛ می‌گوییم عرف چرا نمی‌گوید مضارع قریب بگیریم؟ علاوه بر این‌که قرینه حالیه نوعیه را در آیه فراموش نکنید که احتمالش کافی است برای عدم احراز ظهور.

این راجع به صرورة است که الاحوط ان لم‌‌یکن اقوی این‌که حلق بر صرورة متعین است.

اما ملبد و معقوص مشهور گفتند مستحب موکد است آن‌ها هم حلق کنند ولی تقصیر جائز است.

ولی این خلاف صحیحه معاویة بن عمار است که می‌گوید اگر ملبد و معقوص شدی باید حلق کنی و نباید تقصیر کنی. وجهی ندارد ما حمل بر استحباب کنیم.

از روز شنبه ان‌شاءالله مسأله 405 به بعد را خواهیم خواند.

و الحمد لله رب العالمین.